

تأثیر آینده‌درمانی بر توانایی راه‌رفتن بیماران، پس از سکتة مغزی

سید رضا مظلوم¹، مهناز بهرامی²، فرزانه حسن‌زاده¹، کاویان قندهاری³

چکیده

زمینه و هدف: سکتة مغزی، یکی از علل عمده از کارافتادگی است؛ بنابراین توسعه روش‌های درمانی جدید به‌منظور تسریع مرحله بهبودی؛ از لحاظ درمانی، اجتماعی و اقتصادی اهمیت زیادی دارد. این مطالعه با هدف تعیین تأثیر آینده‌درمانی بر توانایی راه‌رفتن بیماران پس از سکتة مغزی برحسب قدرت عضلانی پای مبتلا به انجام رسید.

روش تحقیق: در این مطالعه نیمه‌تجربی، 50 بیمار مبتلا به سکتة مغزی مراجعه‌کننده به بیمارستان‌های قائم (عج) و امام رضا (ع) مشهد، از طریق تخصیص تصادفی در دو گروه مساوی کنترل و آینده‌درمانی قرار گرفتند. در گروه مداخله، آینده‌درمانی در 20 جلسه 30 دقیقه‌ای انجام شد؛ بدین صورت که فرد، حرکات دامنه حرکتی اندام تحتانی را توسط سمت سالم در مقابل آینده انجام داده و تنها تصویر آینده‌ای آن را مشاهده می‌نمود. در هر دو گروه، برنامه‌ی معمول فیزیوتراپی نیز اجرا شد. قدرت عضلانی پای مبتلا با استفاده از ابزار گنمره‌ای سنجش قدرت عضلانی و توانایی حرکتی اندام تحتانی قبل، حین و پس از درمان با استفاده از ابزار توانایی راه‌رفتن، مورد ارزیابی قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS (ویرایش 11/5) و با کمک آزمون‌های آماری Kalmogorov-Smiranov و Shapiro-Wilks، Independent T-Test، Paired t-test، Mann-Whitney، Wilcoxon و ANOVA دو طرفه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: دو گروه، قبل از مداخله، از نظر شاخص‌های توانایی راه‌رفتن برحسب قدرت عضلانی پای مبتلا و متغیرهای مداخله‌گر، تفاوتی نداشتند. پس از مداخله، بیماران در گروه آینده‌درمانی از نظر توانایی راه‌رفتن بر حسب قدرت عضلانی پای مبتلا نسبت به گروه کنترل، بهبودی قابل ملاحظه‌ای نداشتند ($p=0/756$)؛ اما بررسی بیماران از نظر توانایی راه‌رفتن، تفاوت آماری معنی‌داری بر حسب قدرت عضلانی پای مبتلا در جلسه دهم در دو گروه آینده‌درمانی و کنترل نشان داد ($p=0/038$). **نتیجه‌گیری:** آینده‌درمانی در کنار برنامه توانبخشی می‌تواند توانایی راه‌رفتن بیماران را در برخی از مراحل پس از سکتة مغزی بهبود بخشد.

واژه‌های کلیدی: عملکرد اندام تحتانی؛ آینده‌درمانی؛ راه رفتن؛ قدرت عضلانی؛ سکتة مغزی

مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، 1394؛ دوره 22 (2): 134-144.

پذیرش: 1394/03/20

دریافت: 1393/09/27

¹ مربی، گروه داخلی-جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران؛

² نویسنده مسؤول؛ مربی، گروه داخلی-جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، تربت حیدریه، ایران؛

آدرس: تربت حیدریه - خیابان فردوسی شمالی - خیابان رازی - دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه

تلفن: 05152226011، نمابر: 05152228026، پست الکترونیکی: bahramim901@gmail.com

³ دانشیار، فلوشیپ سکتة مغزی و نوروسونولوژی، گروه مغز و اعصاب، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

مقدمه

سکته مغزی، یک مشکل شایع بهداشتی است که پس از بیماری‌های قلبی-عروقی و نئوپلاسم‌های بدخیم، سومین عامل مرگ و میر در جهان بوده است. این بیماری، باعث آسیب به سیستم‌های حسی، حرکتی، ادراکی، بینایی و شناختی می‌شود که در نتیجه، توانایی بیماران را برای انجام فعالیت‌های روزمره زندگی مختل می‌کند. بروز سالیانه آن در ایران 113-149 نفر در هر صد هزار نفر جمعیت برآورد شده است و با مسن‌تر شدن جمعیت در سال‌های آینده بر میزان آن افزوده خواهد شد (1-3). حدود 30 تا 40 درصد افرادی که بعد از سکته مغزی زنده می‌مانند، دچار ناتوانی‌های شدید هستند. کاهش قدرت، سرعت و کنترل حرکت در 60 تا 78 درصد بیماران دیده شده است که سبب کاهش توانایی‌های عملکردی از جمله توانایی راه رفتن می‌شود (4)؛ همچنین حدود 70 درصد از بیماران سکته مغزی، قادر به خم شدن به جلو برای برداشتن شیء از زمین و 22 درصد از آنها قادر به راه رفتن نمی‌باشند (3).

امروزه با توجه به پیشرفت‌های موجود در تشخیص و درمان، با تعداد بیشتری از بیماران مبتلا به سکته مغزی روبرو هستیم؛ به‌طوری‌که اختلالات و معلولیت‌های جسمانی به‌جامانده از آن، به‌صورت یک معضل اجتماعی بزرگ از لحاظ مراقبت‌های پزشکی و پرستاری در بیمارستان و منزل درآمده است؛ از این رو، این بیماری به‌عنوان یکی از عوامل عمده از کارافتادگی به‌شمار می‌آید و هزینه اقتصادی زیادی را بر جامعه تحمیل می‌کند (2). در کشور انگلستان، هزینه درمان و بازتوانی بیماران مبتلا به سکته مغزی، چهار درصد بودجه خدمات بهداشتی را به‌خود اختصاص می‌دهد و نیز سهم عمده‌ای از هزینه 40 میلیارد دلاری که سالانه در آمریکا صرف بیماران سکته مغزی می‌شود، به مراقبت طولانی‌مدت و توانبخشی بعد از بیماری اختصاص دارد. بنابراین بهبود و توسعه روش‌های درمانی مؤثری که مرحله بهبودی بعد از حادثه را در بر گیرد، از لحاظ درمانی، اجتماعی و اقتصادی،

اهمیت حیاتی دارد (5). در حال حاضر برای بهبود توانایی‌های راه رفتن، در هفته اول پس از سکته مغزی از درمان‌های فیزیکی شامل: بازآموزی عصبی-عضلانی و همچنین تمرینات عملکردی پیش از راه رفتن از جمله: فعالیت‌های انتقال وزن در حالت نشسته یا ایستاده و حفظ موقعیت بدون کمک، تمرینات تقویتی (ایزومتریک، ایزوتونیک، ایزوکینتیک) و هوازی، تحریک الکتریکی عصبی-عضلانی، روباتیک‌درمانی، تحریک حرارتی و... استفاده می‌شود (6، 7). با توجه به اینکه برنامه‌های توانبخشی ذکرشده، به‌طور عمده تنها در کلینیک‌های تخصصی و بخش‌های فیزیوتراپی و با هزینه‌های بالا صورت می‌پذیرد، وجود برنامه‌های مکمل و جدید که روند بهبودی بیماران را سرعت بخشیده و توسط فرد غیرمتخصص و خانواده بیمار قابل اجرا باشد، اثربخشی این برنامه‌ها را افزایش خواهد داد (8).

آینه‌درمانی، یک روش به‌نسبت جدید است که بر روی حرکات اندام‌های بدون آسیب متمرکز است. این روش برای اولین بار توسط Rogers Ramachandran به‌عنوان درمانی برای از بین بردن حرکات غیرارادی و درد و فلج در اندام خیالی ابداع شد (9). در مطالعات دیگر انجام‌شده در بیماران بعد از قطع اندام، پس از برنامه آینه‌درمانی، بیماران، بهبود حرکت، راحتی بیشتر و درد کمتری را در اندام قطع‌شده گزارش کردند (6).

آینه‌درمانی به‌عنوان یک درمان ساده، ارزان و مهم‌تر از همه به‌عنوان یک برنامه مددجو محور، ممکن است عملکرد اندام‌ها را بهبود بخشد (10). این روش در سال‌های اخیر به‌دلیل گزارش‌هایی مبنی بر سودمندی آن در کمک به درمان بیماران مبتلا به اختلالات مختلف، بسیار مورد توجه قرار گرفته است (11). نتایج مطالعه Yavuzer و همکاران (2007) نشان داد، آینه‌درمانی، نمرات بازیابی حرکتی (Motor Recovery) برای دست و اندام فوقانی و موارد خودمراقبتی شاخص عملکرد حرکتی (Functional Index Measurement (FIM)) را در بیماران، پس از سکته مغزی

تحت برنامه معمول فیزیوتراپی قرار داشته باشد؛ 5) اختلال شدید شناختی، کلامی و بینایی، زوال عقل¹ قبلی، آفازی گلوبال و یا هرگونه اختلال بینایی بر اساس معاینه پزشک متخصص اعصاب نداشته باشد؛ 6) برای اولین بار دچار سکته شده باشد؛ 7) فاقد هرگونه بیماری که باعث نقایص حرکتی می‌شود، باشد. بیماران که به هر دلیل، بیشتر از چهارجلسه متناوب یا دو جلسه متوالی در برنامه نمی‌توانستند شرکت کنند، از مطالعه خارج شدند.

هدف از انجام مطالعه و روش اجرای آن، به‌صورت مختصر برای هر کدام از افراد مورد مطالعه، به‌صورت جداگانه توضیح داده شد و رضایت کتبی و آگاهانه از آنان اخذ گردید.

بر اساس نتایج مطالعه راهنما (6) و فرمول مقایسه میانگین‌ها با ضریب اطمینان 95% و توان آزمون 80%، حجم نمونه 23 نفر در هر گروه برآورد شد ($m_1=7/1$, $m_2=6/0$, $s_1=1/6$, $s_2=0/9$). با پیش‌بینی حذف احتمالی، 25 نفر در هر گروه بررسی شدند که در نهایت با حذف 2 نفر در گروه کنترل به‌دلیل غیبت بیش از چهارجلسه در برنامه توانبخشی، تجزیه و تحلیل بر روی 50 نفر که به‌صورت تصادفی در دو گروه آینده‌درمانی و کنترل قرار گرفته بودند (در هر گروه، 25 نفر)، انجام شد. برای تعیین اینکه هر فرد در کدام گروه قرار بگیرد، ابتدا از طریق پرتاب سکه، روزهای زوج هفته به یک گروه و روزهای فرد هفته به گروه دیگر اختصاص یافت و سپس تمام مراجعه‌کنندگانی که اولین جلسه فیزیوتراپی آنها در روزهای زوج بود، در گروه آینده‌درمانی و افرادی که اولین جلسه فیزیوتراپی آنها در روز فرد بود، در گروه کنترل قرار گرفتند.

در بیماران هر دو گروه، ابتدا قدرت عضلانی پای درگیر، از طریق سیستم پنج‌نمره‌ای قدرت عضلانی مورد بررسی قرار گرفت؛ سپس برای افراد هر دو گروه، برنامه معمول فیزیوتراپی شامل تحریک الکتریکی عصبی-عضلانی و سپس برنامه‌های توانبخشی حرکت‌درمانی که هر جلسه آن به‌طور متوسط حدود یک‌ساعت به‌طول انجامید، اجرا شد. افراد گروه

بهبود می‌بخشد (10). نتایج مطالعه Sütbeyaz و همکاران (2007) نیز نشان داد که آینده‌درمانی، بازیابی حرکتی و عملکرد حرکتی (Motor Function) را در بیماران پس از سکته مغزی، بهبود بخشیده، اما بر سفتی عضلانی (Spasticity) و توانایی راه‌رفتن آنان تأثیری نداشته است. آینده‌درمانی به‌عنوان یک تکنیک مکمل، ممکن است به‌همراه برنامه‌ی معمول توانبخشی، در مراحل اولیه‌ی درمانی مفید باشد. حتی اگر فردی که مراقبت از بیمار را بر عهده دارد، در این باره آموزش‌های کافی و درست را دریافت کرده باشد؛ استفاده از آن در مدت‌زمان طولانی‌تر و نیز پس از ترخیص، در منزل قابل اجراست (6).

با توجه به موارد ذکرشده و با توجه به اهمیت پرداختن به موضوع سکته مغزی و اثرات طولانی‌مدت و مزمن آن چه از لحاظ جسمی و روانی و چه از نظر اقتصادی، مشخص می‌شود که با وجود اینکه به اثرات آینده‌درمانی در درمان برخی بیماری‌ها اشاره شده است، در مورد کارایی این برنامه در بیماران سکته مغزی، تحقیقات محدودی انجام شده است و تعداد انگشت‌شماری از مطالعات، تأثیر آینده‌درمانی را بر توانایی راه‌رفتن بیماران سکته مغزی مورد مطالعه قرار داده‌اند. بنابراین این مطالعه با هدف تعیین تأثیر آینده‌درمانی بر توانایی راه‌رفتن بیماران پس از سکته مغزی به انجام رسید.

روش تحقیق

این مطالعه از نوع نیمه‌تجربی می‌باشد. جامعه مورد مطالعه، بیماران مبتلا به سکته مغزی مراجعه‌کننده به بخش فیزیوتراپی بیمارستان‌های قائم (عج) و امام رضا (ع) مشهد در سال 1392 بودند که شرایط ورود به این مطالعه را داشتند. معیارهای ورود به مطالعه عبارت بودند از: 1) ابتلا به سکته مغزی با تشخیص پزشک متخصص اعصاب و تأیید اسکن توموگرافی کامپیوتری (CT-scan) یا تصویربرداری رزونانس مغناطیسی (MRI؛ 2) سن بین 30 تا 65 سال؛ 3) از زمان وقوع سکته در آنها حداقل یک‌ماه گذشته باشد؛ 4) هم‌اکنون

¹ Dementia

وابستگی با نظارت، در سطح 5 مستقل فقط در سطوح صاف و در سطح 6 مستقل در سطوح صاف و ناصاف می‌باشد. به‌منظور بررسی قدرت عضلانی پای مبتلا، از سیستم پنج‌نمره‌ای قدرت عضلانی استفاده شد. در این روش، برحسب میزان قدرت عضله و نیز توانایی فرد برای غلبه بر جاذبه زمین و فشاری که توسط معاینه‌کننده بر اندام بیمار وارد می‌شود، میزان قدرت عضلانی نمره‌دهی می‌شود؛ بدین صورت که اگر اندام مبتلای فرد بیمار هیچ‌گونه حرکتی نداشته باشد «نمره صفر»، اگر انقباضات جزئی داشته باشد «نمره 1»، اگر بتواند اندام را در سطح افق حرکت دهد اما توان غلبه بر نیروی جاذبه را نداشته باشد «نمره 2»، اگر بتواند اندام را برخلاف نیروی جاذبه حرکت دهد اما نتواند به‌مدت طولانی بر نیروی جاذبه غلبه کند «نمره 3»، اگر بیمار بتواند اندام را به‌مدت طولانی برخلاف نیروی جاذبه حرکت می‌دهد اما در برابر فشار معاینه‌کننده مقاومت نکند «نمره 4» و در نهایت اگر بیمار بتواند در برابر فشار معاینه‌کننده مقاومت نماید «نمره 5» را کسب می‌کند (12). در این مطالعه، نمره صفر تا 3 به‌عنوان قدرت عضلانی کم و نمره 3 تا 5 به‌عنوان قدرت عضلانی زیاد در نظر گرفته شد.

داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS (ویرایش 11/5) و با کمک آزمون‌های آماری تجزیه و تحلیل شد؛ به این صورت که برای بررسی طبیعی‌بودن توزیع متغیرهای کمی از آزمون‌های Kalmogorov-Smiranov و Shapiro-Wilks استفاده شد و برای بررسی دو گروه از نظر همگن‌بودن متغیرهای کمی از آزمون Independent T-Test و در مورد متغیرهای کیفی از آزمون Chi-Square استفاده گردید.

برای مقایسه گروه آینده‌درمانی و کنترل از لحاظ توانایی راه‌رفتن برحسب قدرت عضلانی پای مبتلا در هر یک از مراحل مطالعه، از آزمون Independent T-Test و برای مقایسه قبل و بعد هر یک از گروه‌ها از آزمون Paired t-test و نیز از آزمون ANOVA دوطرفه استفاده شد. برای

آینده‌درمانی، علاوه بر برنامه معمول، تحت آینده‌درمانی نیز قرار گرفتند؛ بدین ترتیب که 20 جلسه‌ی 30 دقیقه‌ای آینده‌درمانی در شیفت صبح، به‌صورت روزانه و یا روز در میان، در بخش‌های فیزیوتراپی بیمارستان‌های قائم (عج) و امام رضا (ع) برای آنها انجام شد. نحوه انجام برنامه‌ی آینده‌درمانی بدین صورت بود که بیمار، در وضعیت نیمه‌نشسته بر روی تخت دراز کشیده و آینه‌ای با ابعاد 70×40 سانتی‌متر بین پاهای وی قرار داده شد و از وی خواسته شد تا حرکات دامنه حرکتی را توسط میج پا (دورسی فلکشن، پلاتنار فلکشن، اینورژن و اورژن) و زانو (فلکشن و اکستنشن) در حالی که فقط به تصویر حرکت پای سالم در آینه نگاه می‌کند، انجام دهد. در مدت زمان انجام برنامه‌ی آینده‌درمانی، هیچ‌گونه بازخورد کلامی به بیمار داده نشد. در نهایت، شاخص توانایی راه‌رفتن، در قبل از مداخله و در جلسات پنجم، دهم، پانزدهم و بیستم پس از مداخله در دو گروه آینده‌درمانی و کنترل مورد ارزیابی قرار گرفت. نمونه‌گیری این مطالعه، تا اتمام برنامه توانبخشی همه افراد مورد پژوهش، مدت 8 ماه به‌طول انجامید.

به‌منظور ارزیابی نتایج حاصل از مداخله آینده‌درمانی، از ابزار توانایی راه‌رفتن Function Ambulation Classification استفاده شد. این ابزار، در گذشته در مطالعات دیگر استفاده شده است (6، 10) و در عین حال در این مطالعه، روایی محتوایی آن با نظر ده‌نفر از افراد صاحب‌نظر تأیید شد. برای تعیین پایایی ابزار، از روش توافق ارزیاب‌ها استفاده شد که میزان پایایی آن بر اساس فرمول تعداد موافقت‌ها تقسیم بر تعداد موافقت‌های ممکن، معادل «یک» به‌دست آمد. این ابزار، بیماران را بر اساس مهارت‌های حرکتی پایه برای توانایی راه‌رفتن طبقه‌بندی می‌کند و بین یک تا شش سطح می‌باشد که در پایین‌ترین سطح آن، فرد فاقد عملکرد بوده و قادر به راه‌رفتن نیست و در بالاترین سطح، فرد به‌طور مستقل در سطوح صاف و ناصاف مانند: پله، سطح شیب‌دار و ... می‌تواند راه برود. در این ابزار، فرد در سطح یک فاقد عملکرد، در سطح 2 و 3 وابسته، در سطح 4

عضلانی پای مبتلا قبل از شروع مداخله تفاوت آماری معنی‌داری نداشته‌اند ($2/6 \pm 0/6$) در گروه آینه‌درمانی در برابر ($2/7 \pm 0/4$ در گروه کنترل) ($p=0/868$).

جدول 2 تفاوت نمرات ابزار توانایی راه‌رفتن در دو گروه آینه‌درمانی و کنترل بر حسب قدرت عضلانی پای مبتلا را نشان می‌دهد. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، بیماران از نظر قدرت عضلانی پای مبتلا در دو گروه قرار گرفتند؛ بدین صورت که بیماران با نمره صفر تا 2 در گروه قدرت عضلانی کم و بیماران با نمره 3 تا 5 در گروه قدرت عضلانی بالا قرار گرفتند و در نهایت میزان توانایی راه‌رفتن بر اساس قدرت عضلانی پای مبتلا مورد مقایسه قرار گرفت.

برای بررسی نتایج تأثیر آینه‌درمانی بر توانایی راه‌رفتن برحسب قدرت عضلانی پای مبتلا، آزمون آنالیز ANOVA دوطرفه نشان داد که اثر کلی در تمامی مراحل بررسی بیماران، از نظر شاخص توانایی راه‌رفتن به‌جز در مرحله قبل از مداخله، تفاوت آماری معنی‌داری داشته است ($p < 0/05$)؛ همچنین در هیچ‌یک از مراحل بررسی بیماران از نظر شاخص

متغیرهایی که از توزیع طبیعی برخوردار نبودند، از آزمون‌های غیر پارامتریک معادل (Mann-Whitney, Wilcoxon, Sign) استفاده شد. در تمام آزمون‌ها، ضریب اطمینان 95% و قدرت آزمون 80% در نظر گرفته شد.

یافته‌ها

در این مطالعه، تعداد 50 بیمار مبتلا به سکته مغزی مورد بررسی قرار گرفتند که از این تعداد، 21 نفر (42 درصد) زن و 29 نفر (58 درصد) مرد بودند. بیشتر بیماران، به سکته مغزی ایسکمیک مبتلا بودند (66 درصد). سایر مشخصات فردی و اطلاعات بالینی بیماران در دو گروه کنترل و آینه‌درمانی، در جدول یک به صورت خلاصه آمده است. مقایسه اطلاعات قبل از مداخله در دو گروه نشان داد که دو گروه از نظر سن، جنس، نوع سکته مغزی و سمت آسیب‌دیده همگن بودند، اما از نظر مدت‌زمان پس از سکته مغزی همگن نبودند. بررسی میانگین و انحراف‌معیار دو گروه از نظر قدرت عضلانی پای مبتلا نشان داد که گروه آینه‌درمانی و کنترل از نظر قدرت

جدول 1- مقایسه مشخصات فردی بیماران در دو گروه آینه‌درمانی و کنترل

متغیر	گروه		نتیجه آزمون
	آینه‌درمانی (25 نفر)	کنترل (25 نفر)	سطح معنی‌داری
سن (میانگین $\pm$ انحراف معیار)	54/8 $\pm$ 7/8	53/0 $\pm$ 10/2	*0/489
جنس (تعداد (درصد))	زن 11 (44%)	10 (40%)	**0/774
	مرد 14 (56%)	15 (60%)	
نوع سکته مغزی	ایسکمیک 17 (68%)	16 (64%)	**0/765
	هموراژیک 8 (32%)	9 (36%)	
قدرت عضلانی پای مبتلا (تعداد (درصد))	پایین 8 (32%)	7 (28%)	**0/758
	بالا 17 (68%)	18 (72%)	
سمت آسیب‌دیده (تعداد (درصد))	راست 12 (48%)	8 (32%)	**0/248
	چپ 13 (52%)	17 (68%)	
مدت زمان پس از سکته مغزی (ماه) (میانگین $\pm$ انحراف معیار)	5/4 $\pm$ 3/5	3/2 $\pm$ 2/3	*0/015

* Mann-Whitney test

** Chi-Square test

جدول 2- مقایسه نمرات توانایی راه رفتن در بیماران مبتلا به سکتة مغزی مورد مطالعه بر حسب قدرت عضلانی پای مبتلا در گروه آینده درمانی و کنترل

مرحله	گروه		نتایج آزمون آنالیز ANOVA دوطرفه			
	آینه درمانی (25نفر)	کنترل (25نفر)	اثر کلی (سطح معنی داری)	اثر گروه (سطح معنی داری)	اثر قدرت عضلانی (سطح معنی داری)	اثر متقابل قدرت عضلانی و گروه (سطح معنی داری)
قبل از مداخله	2/7±0/4	1/7±0/4	0/059	0/339	0/444	0/210
	2/8±0/9	2/5±1/2				
جلسه پنجم	2/8±0/6	2/4±0/5	0/028	0/130	0/284	0/695
	3/2±0/8	2/5±1/2				
جلسه دهم	3/1±0/3	3/1±0/8	0/022	0/508	0/800	0/038
	4/0±0/8	2/6±1/4				
جلسه پانزدهم	4/0±0/5	3/1±0/8	0/018	0/076	0/268	0/779
	4/1±0/9	3/4±0/3				
جلسه بیستم	4/1±0/6	3/4±0/5	0/018	0/074	0/245	0/756
	4/4±0/8	3/8±0/6				

بیماران بر حسب قدرت عضلانی پای مبتلا پس از سکتة مغزی را به طور کلی افزایش می دهد. بیشترین تفاوت آماری در میانگین نمرات توانایی راه رفتن بر حسب قدرت عضلانی پای مبتلا در دو گروه آینده درمانی و کنترل، در جلسه دهم مداخله وجود داشت ($p=0/038$)؛ بنابراین نتایج نشان داد با وجود اینکه اثر متقابل قدرت عضلانی پای مبتلا و گروه بر توانایی راه رفتن در هیچ یک از مراحل مؤثر نبوده است، اما به علت اینکه اثر کلی، از جلسه پنجم تا پایان مداخله معنی دار بوده است ($p<0/05$)، می توان نتیجه گرفت که آینده درمانی به تنهایی و بدون در نظر گرفتن قدرت عضلانی پای مبتلا، بر توانایی حرکتی مؤثر بوده است؛ به طوری که تفاوت دو گروه آینده درمانی و کنترل از نظر توانایی های راه رفتن، بعد از مداخله نسبت به قبل از آن از نظر آماری معنی دار بوده است. به طوری که میزان تغییرات خالص در این شاخص در پایان جلسه پنجم 9/4 درصد، در پایان جلسه دهم 18/0 درصد، در پایان جلسه پانزدهم 10/1 درصد و در پایان جلسه بیستم

توانایی راه رفتن، تفاوت معنی داری بر حسب قدرت عضلانی پای مبتلا وجود نداشته است ($p>0/05$). با بررسی اثر متقابل گروه و قدرت عضلانی پای مبتلا مشخص شد که در پایان جلسه دهم، دو گروه مداخله و آینده درمانی از نظر توانایی راه رفتن بر اساس قدرت عضلانی پای مبتلا، تفاوت آماری معنی داری نداشته اند ($p=0/038$) و مقایسه میانگین ها در دو گروه آینده درمانی و کنترل بر اساس قدرت عضلانی بالا ($4/0\pm0/8$) در گروه آینده درمانی در برابر $2/6\pm1/4$ در گروه کنترل) بیشتر از میانگین های دو گروه آینده درمانی بر اساس قدرت عضلانی پایین ($3/1\pm0/3$) در گروه آینده درمانی در برابر $3/1\pm0/8$ در گروه کنترل) بوده است (جدول 2). لازم به ذکر است که در طول و پس از مداخله، هیچ گونه عارضه جانبی در بیماران مشاهده نشد.

بحث

این مطالعه نشان داد که آینده درمانی، توانایی راه رفتن

مؤثر باشد. علاوه بر این با توجه به اینکه، زمانی توانایی راه‌رفتن و الگوی یادگیری آن موفق خواهد بود که براساس یک مدل نزدیک به حالت طبیعی ارائه شود، ممکن است در مطالعه Sutbeyaz و نیز در مطالعه حاضر، از الگوی حرکتی به‌هنگام راه‌رفتن به‌صورت نزدیک به وضعیت طبیعی، استفاده نشده باشد. از طرفی بازایی توانایی راه‌رفتن حدود 11 هفته بعد از سکتة مغزی صورت می‌گیرد (13). اما در مطالعه حاضر، بیمارانی وارد مطالعه شدند که حداقل یک‌ماه (4 هفته) از وقوع سکتة مغزی در آنها گذشته بود؛ بنابراین بررسی بیماران در این بازه زمانی از نظر توانایی راه‌رفتن می‌تواند بر نتایج به‌دست‌آمده در مورد تأثیر آینده‌درمانی مؤثر باشد.

در پژوهشی دیگر توسط Varma و همکاران (2011) نیز که تأثیر تصویرسازی ذهنی بر توانایی راه‌رفتن در بیماران مبتلا به سکتة مغزی مورد بررسی قرار گرفت، یکی از ابزارهای مورد استفاده برای اندازه‌گیری توانایی راه‌رفتن، ابزار FAC (Functional Ambulation Category) بود. در این مطالعه، بررسی بیماران توسط این ابزار نشان داد که 46 درصد افراد گروه مداخله بعد از 31 روز به سطح 5 از این ابزار رسیدند؛ درحالی که تنها 13 درصد افراد گروه کنترل بعد از 39 روز به این سطح رسیدند. همچنین میانه شاخص FAC قبل از مداخله در دو گروه، یکسان و در سطح 2 بود؛ درحالی که پس از مداخله و نیز در پیگیری بعد از شش‌ماه، این شاخص در گروه مداخله در سطح 4 و در گروه کنترل در سطح 2 قرار داشت. علاوه بر این در این مطالعه، تصویرسازی ذهنی بر روی استقلال بیماران در راه‌رفتن پس از سکتة مغزی مؤثر بود (14). برخلاف تأثیر تصویرسازی ذهنی بر توانایی راه‌رفتن، در این مطالعه، آینده‌درمانی بر توانایی راه‌رفتن بر حسب قدرت عضلانی مؤثر نبوده است. نوع مداخله در این دو مطالعه تا حدودی متفاوت است، اما این دو مداخله از جهاتی نیز با هم مشابه هستند و هر دوی آنها از طریق افزایش ورودی‌های حسی، سعی در تقویت نوروپلاستیسته مغزی دارند. برنامه تصویرسازی ذهنی مشابه با برنامه

4/7 درصد بوده است. شاید بتوان این تفاوت معنی‌دار در جلسه دهم را این‌طور توجیه نمود که بیماران پس از سکتة مغزی در ابتدای شروع برنامه توانبخشی، انگیزه بسیار بالایی دارند؛ اما متأسفانه به‌علت پیشرفت آهسته در بهبودی به‌ویژه در راه‌رفتن که در مدت طولانی‌تری پس از سکتة، شروع به بهبودی می‌یابد، انگیزه خود را برای انجام تمرینات از دست می‌دهند که باید با استفاده از روش‌های نو و ابتکاری، بیمار را فعال نگاه داشت.

به‌طور کلی در مورد تأثیر آینده‌درمانی بر توانایی حرکتی اندام تحتانی و راه‌رفتن، مطالعات بسیار کمی انجام شده است. در مروری گسترده بر مطالعات انجام‌شده در زمینه تأثیر آینده‌درمانی بر توانایی راه‌رفتن بر حسب قدرت عضلانی پای مبتلا در بیماران با سکتة مغزی، تعداد مطالعات یافت‌شده مشابه با مطالعه حاضر، بسیار اندک بود. بنابراین پژوهشگران مطالعه حاضر ناگزیر شدند تا در بحث و بررسی، از نتایج مطالعات مشابه که اثر سایر روش‌های مشابه با آینده‌درمانی را بر توانایی راه‌رفتن بیماران مبتلا به سکتة مغزی بررسی نموده‌اند، استفاده نماید.

مشابه با نتایج مطالعه حاضر، Sutbeyaz و همکاران (2007) در مطالعه خود بیان کردند که آینده‌درمانی بر توانایی راه‌رفتن بیماران پس از سکتة مغزی در پایان مداخله تأثیری ندارد (6). شاید یکی از دلایل عدم تأثیر آینده‌درمانی بر توانایی راه‌رفتن در مطالعه Sutbeyaz این باشد که راه‌رفتن، یک عمل پیچیده است و راه‌رفتن طبیعی نیاز به شرایطی چون: قدرت عضلانی، هماهنگی، تعادل و ... دارد. در مطالعه حاضر نیز با بررسی قدرت عضلانی پای مبتلا در ابتدای مطالعه سعی شد تا اثر این قدرت عضلانی بر توانایی راه‌رفتن و نیز اینکه آیا میزان قدرت عضلانی پا می‌تواند در روند بهبودی تأثیر داشته باشد، مورد بررسی قرار گیرد که طبق نتایج به‌دست‌آمده مشخص شد، هیچ تفاوت آماری در بین بیماران با قدرت عضلانی پایین و بالا وجود ندارد و قدرت عضلانی پای مبتلا نمی‌تواند بر تأثیر آینده‌درمانی بر توانایی راه‌رفتن

به راهرفتن حداقل به طول 6متر با یا بدون عصا باشند، بنابراین سطح پایه توانایی راهرفتن در بیماران نسبت به مطالعه حاضر بیشتر بود. بنابراین شاید بتوان این تأثیر را به علت درگیر نمودن فعال بیمار در فرآیند مداخله نیز نسبت داد. توانایی‌های راهرفتن در پژوهش Dunskey به دو صورت کمی و بالینی مورد سنجش قرار گرفت که در اندازه‌گیری‌های بالینی توانایی راهرفتن، بیماران هیچ تفاوت معنی‌داری در ارتباط با مداخله نشان ندادند؛ بنابراین مطالعه Dunskey نیز مشابه با مطالعه حاضر، توانایی راهرفتن را برحسب قدرت عضلانی پای مبتلا به صورت بالینی و عملکردی مورد سنجش قرار داده و اختلاف آماری معنی‌داری در توانایی راهرفتن بیماران پس از سکنه مغزی نشان نداده است.

این مطالعه نشان می‌دهد که آینده‌درمانی به‌عنوان یک درمان مفید می‌تواند در توانایی بیماران در برخی از مراحل پس از سکنه مغزی مؤثر باشد. اثرات مثبت آینده‌درمانی ممکن است در نتیجه افزایش سازماندهی مجدد مغز ناشی شود (16). این موضوع کاملاً شناخته شده است که افزایش ورودی‌های حسی مختلف از طریق بینایی، شنوایی، حس عمقی، لمس و فشار، می‌تواند پلاستیسیته مغز را تقویت نماید (17). آینده‌درمانی می‌تواند با ایجاد ورودی‌های حسی مناسب، باعث افزایش نوروپلاستیسیته شود و شاید جایگزینی برای فقدان یا کاهش حس عمقی از سمت آسیب دیده بدن باشد (18). از طرفی آینده‌درمانی ممکن است قشر پیش‌حرکتی مغز را فعال نموده یا با ایجاد تعادل در فعالیت‌های عصبی قشر حرکتی اولیه در نیمکره آسیب‌دیده، توانایی حرکتی در راهرفتن را تسهیل نماید (19). یکی دیگر از مکانیسم‌های مطرح‌شده در مورد آینده‌درمانی، سیستم نورون‌های آینده‌ای می‌باشد. این نورون‌ها از نوع حرکتی بینایی هستند که با مشاهده یک فعالیت و انجام آن تحریک می‌شوند و به‌عنوان سیستمی مطرح می‌شوند که به هنگام یادگیری مهارت‌های جدید از طریق مشاهده مهارت (بینایی)، فعال می‌شوند (20)، (21).

آینده‌درمانی، 15 تا 25دقیقه به‌صورت فردی اجرا شد. اما تعداد جلسات و مدت‌زمان هر جلسه در پژوهش Varma کمتر بود؛ در صورتی که تأثیر آن بر توانایی راهرفتن، از آینده‌درمانی بیشتر بوده است. شاید علت تأثیر بیشتر تصویرسازی ذهنی در مطالعه Varma را بتوان به اختلافاتی که بین تصویرسازی ذهنی و آینده‌درمانی وجود دارد، نسبت داد. همچنین در مطالعه حاضر، آینده‌درمانی بدون در نظر گرفتن قدرت عضلانی پای مبتلا، بر توانایی راهرفتن مؤثر بوده است اما زمانی که بیماران بر اساس قدرت عضلانی در گروه مداخله و کنترل تفکیک شدند، آینده‌درمانی بر توانایی راهرفتن تأثیری نداشته است و چون در مطالعه Varma قدرت عضلانی پای مبتلا مورد بررسی قرار نگرفته است، این تفاوت در نتایج می‌تواند به‌وجود آید.

در مطالعه‌ای دیگر توسط Dunskey و همکاران (2008) که تأثیر تصویرسازی حرکتی⁴ در منزل را بر توانایی‌های راهرفتن بیماران مبتلا به سکنه مغزی مزمن مورد بررسی قرار داده‌اند، نشان داده شد که تصویرسازی حرکتی بعد از 6هفته مداخله، میانگین سرعت راهرفتن را 40درصد، طول گام سمت پارتیک را 15درصد و میانگین هماهنگی بین دو اندام تحتانی را 8درصد نسبت به مقادیر پایه افزایش داده است (15). همه شاخص‌های مورد بررسی در این مطالعه به‌عنوان مهارت‌های لازم و ضروری برای توانایی راهرفتن در بیماران با سکنه مغزی به‌شمار می‌رود که بهبودی در این موارد می‌تواند در بهبود توانایی راهرفتن بیماران بسیار مؤثر باشد. بنابراین در این مطالعه نیز تصویرسازی حرکتی بر توانایی راهرفتن مؤثر بوده است که نتایج آن با نتایج مطالعه حاضر همخوانی ندارد که شاید علت آن، تفاوت زیاد بین این دو مداخله باشد. اما هر دوی این مداخلات، جزء تمرینات ذهنی و یا حرکتی هستند که می‌توانند بر پلاستیسیته مغزی در بیماران مبتلا به ضایعات مغزی کمک‌کننده باشند. با توجه به اینکه یکی از معیارهای ورود به مطالعه Dunskey این بود که بیماران، قادر

⁴ Motor Imagery

یافته‌های این مطالعه نشان داد که آینده‌درمانی می‌تواند توانایی راه‌رفتن بیماران را به صورت کلی در برخی از مراحل پس از سکتة مغزی افزایش دهد. با توجه به اینکه این روش از نظر نوروفیزیولوژی نیز مورد حمایت قرار گرفته و فاقد هر گونه عارضه جانبی می‌باشد، می‌توان از این روش به‌عنوان یک روش ساده، ارزان و قابل استفاده در خانه سود جست. همچنین می‌توان با آموزش آینده‌درمانی به اطرافیان و مراقبان بیماران مبتلا به سکتة مغزی به‌عنوان روشی بی‌خطر و مکمل که احتمالاً در بهبودی بیماران نقش داشته باشد، به آنان کمک کرد. با اضافه کردن آینده‌درمانی به برنامه معمول توانبخشی در مراحل اولیه درمان، می‌توان به اثرات مفید آن بر بهبودی سمت آسیب‌دیده و تأثیر آن بر توانایی راه‌رفتن بیماران پس از سکتة مغزی امیدوار بود. بهبودی در توانایی راه‌رفتن پس از سکتة مغزی، باعث ارتقای مراقبت از خود و افزایش کیفیت زندگی این بیماران و نیز کاهش وابستگی آنها به اطرافیان می‌شود.

تقدیر و تشکر

این مقاله، از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با کد 910139 مصوب در تاریخ 91/2/4 حوزه معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد استخراج شده است. بدین‌وسیله از دانشگاه علوم پزشکی مشهد برای تأمین اعتبار این تحقیق، از مسئولین محترم دانشکده پرستاری و مامایی و همچنین زحمات مسئولین بخش‌های فیزیوتراپی بیمارستان‌های قائم (عج) و امام رضا (ع) مشهد به‌خاطر همکاری صمیمانه، تشکر می‌شود.

در مطالعه حاضر، به تمامی بیمارانی که به بخش فیزیوتراپی مراجعه نمودند، توصیه‌ها و آموزش‌هایی برای تمرین در منزل نیز داده شد. پیروی از این آموزش‌ها و توصیه‌ها در روند بهبودی بیماران بسیار مؤثر است؛ اما ممکن است میزان تبعیت افراد از این آموزش‌ها و توصیه‌ها متفاوت باشد که پژوهشگر هیچ کنترلی بر آنها نداشته است؛ هر چند که تمامی آموزش‌ها و توصیه‌ها به هر دو گروه ارائه شده بود. یکی دیگر از محدودیت‌های این پژوهش، میزان تمرکز و توجه بیماران به تصویر اندام سالم در آینده بود. با وجود اینکه بیماران اختلال شناختی نداشتند، اما بعضی بیماران از تمرکز بالایی برخوردار بودند؛ در صورتی که بعضی دیگر قادر به متمرکز کردن حواس خود بر تصویر اندام سالم در آینده نبودند که این مسئله نیز می‌تواند نتایج پژوهش را تحت تأثیر قرار دهد.

با توجه به اینکه یکی از معیارهای ورود به مطالعه عدم وجود نقایص شناختی شدید و فراموشی نیمه بدن بود، پیشنهاد می‌شود که در مطالعات آینده، تأثیر آینده‌درمانی بر بیماران مبتلا به سکتة مغزی همراه با نقایص شناختی و فراموشی نیمه بدن، بررسی گردد؛ همچنین با توجه به اینکه مطالعات کمی تأثیر آینده‌درمانی را بر بیماران مبتلا به سکتة مغزی مورد بررسی قرار داده‌اند و هیچ توافقی در مورد جنبه‌های مختلف از قبیل: معیارهای ورود به مطالعه و انتخاب بیمار مورد نظر، دوره انجام آینده‌درمانی و مدت هر جلسه آینده‌درمانی به‌عنوان یک روش درمانی جدید وجود ندارد، انجام مطالعات بیشتر در این زمینه توصیه می‌شود.

نتیجه‌گیری

منابع:

- 1- Habibzadeh H, Ghofranipour FA, Ahmadi F. [The Effect of Self-Care Planning on The Daily Activities of Patients With Cerebro-Vascular Accident Hospitalized at The Selected Urumia Hospital]. Daneshvar Med. 2007; 14(67): 9-17. [Persian]
- 2- Sahebalzamani M, Alilou L, Shakibi A. [Effect of Self Care on Rehabilitation in Patients with Hemiplegic Stroke]. Medical Sciences Journal of Islamic Azad University, Tehran Medical Branch. 2007; 17(4): 213-8. [Persian]
- 3- Salman-Roghani R, Delbari A, Tabatabae SS. Stroke rehabilitation: Principles, advances, early experiences, and realities in Iran. J Sabzevar Univ Med Sci. 2012; 19(2): 96-107. [Persian]

- 4- Akbari A, Karimi H, Kazemnegad A, Ghabaii M. The Effect of Strengthening Exercises on Biomechanical Parameters of Gait in Chronic Hemiparesis Following Stroke. *J Qazvin Univ Med Sci*. 2005; 9(3): 8-15 [Persian]
- 5- Hosseini MA, Khankeh HR, Alaii S, Dibaii M. Determine. [The Effect of Home Care on Complication Resulting from Musculoskeletal System Immobility of Stroked Patients]. *Journal of Rehabilitation*. 2005; 5(4): 35-42. [Persian]
- 6- Sutbeyaz S, Yavuzer G, Sezer N, Koseoglu BF. Mirror therapy enhances lower-extremity motor recovery and motor functioning after stroke: a randomized controlled trial. *Arch Phys Med Rehabil*. 2007; 88(5): 555-9.
- 7- Hoseianabadi M, Taheri H, Alavinia S, Keavanlou F, Seyedahmadi M, Rahimi N. Impact of four weeks physical therapy on exaggerated muscle tonicity, balance and quality of life in hemi paresis patients. *Journal of North Khorasan University of Medical Sciences*. 2011; 3(2): 17-22. [Persian]
- 8- Nokhostin Ansari N, Naghdi S. [Rehabilitation Techniques for Strok]. Tehran: Arjmand; 2010. [Persian]
- 9- McCabe CS, Haigh RC, Blake DR. Mirror visual feedback for the treatment of complex regional pain syndrome (type 1). *Curr Pain Headache Rep*. 2008;12(2):103-7.
- 10- Yavuzer G, Selles R, Sezer N, Sutbeyaz S, Bussmann JB, Koseoglu F, et al. Mirror therapy improves hand function in subacute stroke: a randomized controlled trial. *Arch Phys Med Rehabil*. 2008; 89(3): 393-8.
- 11- Wilcher DG, Chernev I, Yan K. Combined mirror visual and auditory feedback therapy for upper limb phantom pain: a case report. *J Med Case Reports*. 2011; 5: 41.
- 12- Hinkle JL, Cheever KH. Brunner & Suddarth's textbook of medical-surgical nursing (textbook of medical-surgical nursing). 13th ed. New York: Lippincott Williams & Wilkins; 2012.
- 13- Dickstein R, Dunskey A, Marcovitz E. Motor imagery for gait rehabilitation in post-stroke hemiparesis. *Phys Ther*. 2004; 84(12): 1167-77.
- 14- Verma R, Arya KN, Garg RK, Singh T. Task-oriented circuit class training program with motor imagery for gait rehabilitation in poststroke patients: a randomized controlled trial. *Top Stroke Rehabil*. 2011; 18 Suppl 1: 620-32.
- 15- Dunskey A, Dickstein R, Marcovitz E, Levy S, Deutsch JE. Home-based motor imagery training for gait rehabilitation of people with chronic poststroke hemiparesis. *Arch Phys Med Rehabil*. 2008; 89(8): 1580-8.
- 16- Sathian K. Mirror, mirror, move my manu! *Neurorehabil Neural Repair*. 2009; 23(3): 207-8.
- 17- Hamdy S, Rothwell JC, Aziz Q, Singh KD, Thompson DG. Long-term reorganization of human motor cortex driven by shortterm sensory stimulation. *Nat Neurosci*. 1998; 1(1): 64-8.
- 18- Flor H, Diers M. Sensorimotor training and cortical reorganization. *NeuroRehabilitation*. 2009; 25(1): 19-27.
- 19- Shinoura N, Suzuki Y, Watanabe Y, Yamada R, Tabei Y, Saito K, et al. Mirror therapy activates outside of cerebellum and ipsilateral M1. *NeuroRehabilitation*. 2008; 23(3): 245-52.
- 20- Lee MM, Cho H, Song CH. The mirror therapy program enhances upper-limb motor recovery and motor function in acute stroke patients. *Am J Phys Med Rehabil*. 2012;91(8): 689-96, quiz 697-700.
- 21- Matthys K, Smits M, Van der Geest JN, Van der Lugt A, Seurinck R, Stam HJ, et al. Mirror-induced visual illusion of hand movements: a functional magnetic resonance imaging study. *Arch Phys Med Rehabil*. 2009; 90(4): 675-81.

Abstract

Original Article

Effect of mirror therapy on walking ability in patients with stroke

Seyed Reza Mazlom¹, Mahnaz Bahrami², Farzaneh Hasanzadeh¹, Kavian Ghandehari³

Background and Aim: Stroke is one of major causes of disability. Therefore, it is important to introduce and develop new treatment approaches in order to improve and enhance post-stroke recovery process for medical, social, and economical purposes. The present study aimed at determining the effect of mirror therapy on walking ability of patients with stroke regarding the muscular power of the affected leg.

Materials and Methods: This semi-experimental study was done on 50 stroke patients that were hospitalized in Mashhad Imam Reza and Quaem hospitals. They were randomly classified into two equal groups of control . and mirror therapy(experimental group).For the experimental group, twenty 30 –minute sessions were daily held, so that every . patient did the range of motion of lower extremity of the healthy side in front of a mirror and observed just its mirror image. In addition to mirror therapy , the routine program physiotherapy was performed for both groups. Power of muscle in the affected leg was assessed on the basis of a 5-score scale and every patient`s walking ability was assessed before, during, and after intervention using function ambulation classification. Finally, the obtained data was analyzed by means of SPSS software(V:11.5), using independent T, paired T,Mann-Whitney and Wilcoxon statistical tests.

Results: The two groups showed no significant difference in terms of walking ability regarding the muscular power of the affected leg and confounding variables before intervention ($P=0.210$). Walking ability of the affected leg in mirror therapy group did not significantly improve in comparison with the control group after intervention ($P=0.756$). But the walking ability regarding the muscular power of the affected leg in mirror therapy group was significantly improved in comparison with the control group in the 10th session ($P=0.038$).

Conclusion: Mirror therapy can improve walking ability of patients with stroke as a simple, inexpensive and a patient-oriented treatment.

Key Words: Lower extremity function; Mirror therapy; Walking ability; Muscular power; Stroke

Journal of Birjand University of Medical Sciences. 2015; 22 (2): 134-144.

Received: December 18, 2014

Accepted: June 10, 2015

¹ Instructor, Department of medical-surgical Nursing, Faculty of nursing and midwifery, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran;

² Corresponding author, Instructor, Department of medical-surgical Nursing, Faculty of nursing and midwifery, Torbat heydariyeh University of Medical Sciences, Torbat heydariyeh, Khorasan Razavi, Iran bahramim901@gmail.com

³ Associate professor of Neurology, Department of Neurology, Faculty of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran.